



نیمه هفته
بهناز رسولی؛ دانش آموخته‌ی ژورنالیزم دانشگاه هرات
وگرداننده برنامه‌های فرهنگی

بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی عامل ناامیدی زنان تجارت پیشه

وضعیت سیاسی و امنیتی و تمام مسایل بی‌ثباتی کلان‌ترین چالش را که ایجاد می‌کند در قسمت حالت روحی و روانی زنان تجارت پیشه است

صفحه ۳ ...



زنان خط سرخ گفت و گوهای صلح؛ خط سرخ زنان چیست؟

زنانی که با استفاده از نام زن افغانستانی در پایه‌های دولت جا گرفته‌اند، مسوول‌اند تا به این پرسش پاسخی جدی ارایه کنند: خط سرخ شان برای زنان افغانستان چیست؟!

در حساس‌ترین مراحل گفت و گوهای صلح، بسیاری از مسوولین دولتی و فعالان حقوق بشر، آزادی‌ای زنان را خط سرخ قلم داد کردند. در این میان، تعدادی از زنان نیز با برگزاری چندین برنامه، از این سخن دفاع کرده و از خط سرخ‌شان سخن گفتند. آن‌ها آزادی انتخاب را یکی از مهم‌ترین خواست‌های زنان دانستند و همین امر می‌تواند دلیل راضی نشدن طالبان به پروسه صلح با دولت باشد. نشست‌ها در رابطه با صلح در افغانستان تا به هنوز به هیچ نتیجه‌ی نرسیده است. نگرانی‌های تمامی مردم در رابطه با تکرار دوران سیاه طالبان در کشور بیش از هر وقت دیگر قابل مشاهده است. هنوز هم مردم افغانستان تجربه زیستن در زیر سلطه‌ی طالبانی را از یاد نبرده و حتی تصور دوباره آمدن آن‌ها برای عموم مردم سخت است. در این میان، بحث زنان به طور کامل یک مساله جدی و جدا است. هیچ کسی نمی‌تواند با اطمینان بگوید که با روی کار آمدن و سهم شدن طالبان در قدرت، چه اتفاقی برای زنان این سرزمین می‌افتد. آیا آن‌ها این خط سرخ «حقوق زنان» را خواهند پذیرفت یا نه. حتی اگر بپذیرند، برای این امر نیز هیچ تضمینی وجود ندارد که آن‌ها پس از آمدن و سهم گرفتن در قدرت، دوباره دست به اقدامات ضد بشری نزنند. اگرچند واکنش قدرت‌های -سهمیم در دولت- افغانستان و نیز ادعای جامعه جهانی را در رابطه با حفظ جایگاه زنان هم‌چون دست‌آوردی بزرگ نمی‌توان نادیده گرفت. اما آن‌چه باعث نگرانی می‌باشد سمت و سو پیدا کردن منافع زورمندان است. طالبان برای به قدرت رساندن افکارشان غیرممکن است که دست به خشونت نزنند و دقیقین جنگ است که برای معامله‌گران بزرگ منفعت دارد. بنابراین نمی‌توان به حرف‌های روی روز دولت مردان و قدرت‌های بزرگ دل‌خوش کرد و مطمئن بود که با وجود چنین اشخاص در صدر مجلس گفت و گوهای صلح حیثیت، ارزش و ... ادامه در صفحه ۳...

جهانی شدن خشونت علیه زنان؛ انباشت سرمایه در چشم‌انداز تاریخی

ترس زنان از صلح با طالبان

جنگ و صلح افغانستان، مساله و معضل مردانه است



تحلیل
■ یعقوب یسنا

آنچه که به عنوان نگرانی زنان در صلح با طالبان مطرح است، در واقعیت نگرانی نیست، بلکه ترس است؛ ترسی که واقعی است. نگرانی بیش‌تر امرهای روان‌شناختی است. یعنی یک فرد هراس و تشویش دارد اما این هراس و تشویش او مبنای واقعی مشخص ندارد. بنابراین نباید ترس زنان را در صلح با طالبان به نگرانی تقلیل بدهیم. ترس زنان در صلح با طالبان واقعی است. واقعیتی که در وجود و عمل کرد طالبان ملموس و مشخص است. زنان در امارت طالبان سنگ سار شدند. زنان از هر گونه حق بشری و انسانی خود در امارت طالبان محروم بودند. هنوز زنان در قلمرو طالبان سنگ‌سار می‌شوند. از حقوق بشری و اجتماعی خود محروم هستند. هیچ‌گونه تغییر موضعی نسبت به زنان در عمل کرد طالبان دیده نشده است. نماینده‌ی طالبان در کنفرانس صلح در مسکو گفت که حقوق زنان را طبق شریعت اسلامی رعایت می‌کنند. برداشت طالبان از شریعت اسلامی مشخص است. همان برداشتی است که در دوران امارات شان به عنوان شریعت و قانون تطبیق می‌کردند. تا هنوز شنیده نشده است که طالبان از تحول و تغییر برداشت شان از شریعت اسلامی سخن گفته‌باشند یا خیر داده باشند. متأسفانه در این که ترس زنان در صلح با طالبان جدی گرفته نمی‌شود چند مساله وجود دارد: نخست این که ذهنیت غالب جامعه، مردانه است و مناسبات اجتماعی مردانه است. بنابراین هر روی داد و مناسبت اجتماعی و سیاسی باید ... ادامه در صفحه ۲...



ترجمه
■ نویسنده: سیلویا فیدریچی
■ برگردان: زلمی کاوه
■ بخش سوم

معادن و نفت است که امروزه بسیاری از روستاها را در آفریقا و آمریکای لاتین دربر گرفته است، و از طریق پاک‌سازی ساکنان سرزمین‌های بزرگ، مجبور کردن مردم به ترک خانه‌های شان، خالی نمودن اراضی، کشت‌زارها و زمین‌های اجدادی آن‌ها، صورت می‌گیرد.

این واقعیت صورت دیگری از مأموریت‌های موسسات بین‌المللی مانند بانک جهانی و

سازمان ملل متحد است که سیاست اقتصادی جهانی را شکل داده و کدهای استخراج معادن را تعیین می‌کنند. این‌ها در نهایت مسوول تولید شرایط نواستعماری هستند که بر پایه آن‌ها شرکت‌های چندملیتی برنامه‌های کاری خود را بر اساس آن‌ها عملی می‌نمایند. برای درک منطق خشونت‌ی که شبه نظامیان در استخراج الماس، کولتان و مس در جمهوری دموکراتیک کنگو، وقتی که اسلحه‌های خود را به واژن زنان فرو می‌برند، و یا سربازان گواتمالا، شکم زنان باردار را با چاقو باز می‌کنند و آن‌چه که هم‌چنان به عنوان یک جنگ ضد شورشی توصیف می‌شود، باید به دفاتر و برنامه‌های ... ادامه در صفحه ۲...



ستم و آموزش و پرورش

اغلب میزان خشونت علیه زنان آنقدر شدید است که ظاهر به نظر نمی‌رسد که اهداف سودآوری در عقب آن‌ها نهفته باشد. ریتا لاورا سگاتو با اشاره به شکنجه‌های که در بدن زنان توسط سازمان‌های شبه نظامی فعال در آمریکای لاتین وارد شده است، از «خشونت بیان‌گر و رسا» و «بی‌رحمی آموزشی» سخن گفته است، چون که هدف گروه‌های جنایت‌کار در قدم نخست فرستادن پیام تروریزه کردن زنان بوده و سپس، از طریق آن، به تمام اعضای جامعه که نباید منتظر هیچ رحمتی باشند. خشونت علیه زنان بخش مهمی از عملیات شرکت‌های استخراج



جهانی شدن خشونت علیه زنان؛ انباشت سرمایه در چشم انداز تاریخی

ادامه از صفحه اول

زنان گردیده است. این وضعیت بازگشت به عصر و شرایط شکار ساحره‌ها می‌باشد. عواملی بسیاری که منجر به بازگشت شکار ساحره‌ها شده است: از جمله درهم شکستن همبسته‌گی امر جمعی به علت سال‌ها سلطه فقر و ویرانی، ترویج مواد مخدر، گسترش ایدز بیماری‌های دیگر در جوامعی که سوء تغذیه شایع است و سیستم‌های بهداشت و نظام درمانی از کار افتاده است. فاکتورهای دیگر عبارت‌اند از گسترش موعظه‌های فرقه‌های نئوکالونیستی انجیلی می‌باشد که فقر را ناشی از کمبودهای شخصی یا اعمال شرارت آمیز ساحرانه پندارند.

اما فاکت‌ها و یادداشت‌های حکایت از اتهامات ساحره‌گی در مناطقی که برای پروژه‌های تجاری در نظر گرفته شده است و یا در محلاتی که فرایند خصوصی‌سازی زمین در حال انجام شدن است (مانند جوامع قومی هند) بیش‌تر است و به خصوص زمانی که منعم، مالک زمین‌هایی باشد که شرکت‌ها علاقه‌مند به مصادره آن‌ها هستند. به ویژه در آفریقا، قربانیان زنان مسن‌تر می‌باشند که تنها به کمک یک قطعه زمین زنده‌گی می‌کنند، در حالی که اتهام زنده‌گان اعضای جوان‌تر این جوامع بوده و حتا گاهی عضو خانواده آن زنان می‌باشند. به طور کلی جوانان بی‌کاری که زنان سال‌خورده را به عنوان غاصب آن‌چه که باید متعلق به آن‌ها باشد شمرده و یا بازی گرانی که که ممکن است این جوانان را فریب داده و در سایه، خود را پنهان کرده‌اند و یا مانند رهبران محلی، که اغلب با منافع تجاری توافق دارند می‌باشند.

(به ویژه وقتی که زنان پسر می‌شوند) آن‌ها را موجودات بی‌فایده تلقی نموده، و آن‌ها را قادر می‌سازند تا دزایی و نیروی کار زنان را بدون کدام مشکلی تصاحب نمایند. تغییرات در قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای مالکیت زمین و در مفهوم آن‌چه که به عنوان یک منبع ارزش محسوب شود، به مثابه منبع بازگشت



پدیده‌ی به شمار می‌آید که از دهه ۱۹۹۰ به این سو نیز به ویژه در آفریقا و هند منجر به بدبختی

اختصاص می‌دادند. اما زمین‌های اشتراکی و کمونی آن‌ها هم امر مالکیت زمین و تصدی متعارف کشاورزی مورد حمله شدید رسمی قرار گرفته، و هم بانک جهانی مالکیت جمعی را به عنوان یکی از علل فقر جهانی، به باد انتقاد قرار داده با این فرض که زمین یک «دزایی مرده» است، مگر این که از به صورت قانونی ثبت شده و به عنوان وثیقه برای به دست آوردن وام‌های بانکی مورد استفاده قرار گیرد که این وام‌ها برای شروع فعالیت‌های کارآفرینی آغاز می‌شود^{۱۴}. در واقع، به لطف شاخه کشاورزی معیشتی است که بسیاری از مردم تا حال توانسته‌اند در فرایند تطبیق برنامه‌های وحشیانه ریاضتی زنده بمانند. اما تکرار انتقادهای نظیر بانک جهانی، که گویا آن‌ها در چندین برنامه‌ها و جلسات با مقامات دولتی و رهبران محلی حضور داشته‌اند و در برنامه‌های شان در آفریقا و هند موفق بوده‌اند، طوری که زنان مجبور شده‌اند از تولید معیشتی خود را کنار کشیده و به عنوان دست‌یار همسران‌شان و صاحبان زمین، در زنجیره‌های تولید کالا کار نمایند^{۱۵}.

بازگشت شکار ساحره

همان‌طور که دانش‌مند آلمانی ماریا میس مشاهده کرده است، این وابسته‌گی اجباری، یکی از روش‌های خاصی است که طبق آن‌ها، زنان در مناطق روستایی در درون فرایند «توسعه ادغام» وارد شده‌اند که این در ذات خود یک فرایند خشونت است. نه تنها این مسئله «به واسطه خشونت ذاتی که روابط مرد و زن در جامعه مردسالار تضمین کرده است» بلکه این امر ارزش زنان را در جامعه نیز کاهش می‌دهد، طوری که مردان این جوامع

توسعه آن‌ها مراجعه کنیم. سیگاتو در گفته‌اش بر حق است که چنین خشونت‌های نمی‌تواند از زنده‌گی روزمره هیچ جامعه و اجتماعی استخراج شود^{۱۳}. این خشونت‌ها برنامه‌ریزی شده، و با تعهد حداکثر معافیت از مجازات انجام شود، همان‌طور که امروز شرکت‌های استخراج معادن که عوامل آلوده‌گی جهان‌اند، رودخانه‌ها و جاده‌ها را با مواد شیمیایی مرگ‌بار آلوده می‌کنند از مجازات معافیت دارند، در حالی که افرادی که از راه این منابع زنده‌گی می‌کنند، وقتی که در برابر شرکت‌ها مقاومت می‌کنند توسط نگهبانان امنیتی آن‌ها زندانی و مجازات می‌شوند. مهم نیست که چه کسی عاملان فوری این جنایات هستند، آن‌چه که روشن است؛ تنها دولت‌های قدرتمند و سازمان‌های معینی می‌توانند برای چنین خراب کاری عظیمی چراغ سبز نشان دهند و مجرمان از عدم پی‌گیری قانونی اطمینان حاصل کنند که هرگز مورد بازجویی حقوقی قرار نخواهند گرفت.

مهم است تاکید کنیم که اعمال خشونت علیه زنان عنصر کلیدی در این جنگ جدید جهانی می‌باشد، نه تنها به علت وحشتی که موجب می‌شود یا پیام‌های که می‌فرستد، بلکه به دلیل این که زنان استعداد و توانایی خود برای حفظ همبسته‌گی جوامع خود را دارند و مهم‌تر این که به همان اندازه مدافع امر ثروت و امنیت غیر تجاری مشترک می‌باشند.

به عنوان مثال، در آفریقا و هند، تا همین اواخر، زنان به زمین‌های جمعی دست‌رسی داشتند و بخش بزرگی از روز کاری خود را به کشاورزی

۱۳ نگاه کنید به صحبت‌های Segato در فروم بین‌المللی خشونت علیه زنان رکه به تاریخ ۲۴ تا ۲۸ مارس در شهر Buenaventura (کلمبیا) برگزارگردید. با این حال دیدگاه او به طور غیرمستقیم از جانب دیویدگری باکارهای که در باره تاریخ خشونت در گواتمالا انجام داده است، به چالش کشیده شده است. جایی که او اظهار می‌دارد که اشکال بسیار وحشیانه خشونت علیه زنان بومی در گواتمالا، پیش از عملیات ضد شورش در دهه ۱۹۸۰، میراث شوم و زن‌ستیزانه‌ی استعمار است که به واسطه‌ی استعمارگران تقویت شده است. ۱۴ این استدلال را بانک جهانی برای مقاعد ساختن کشاورزان در آفریقا و برای به دست آوردن حق قانونی زمین‌های آن‌ها و انحلال نمودن مالکیت جمعی، و تبیین زمین‌های همه‌گانی به عنوان «دزایی مرده» شناخته شده است. تا زمانی که از آن برای دست‌رسی به اعتباربانکی میکروکریدیت مورد استفاده قرار نگیرد. بانک جهانی (۲۰۰۳)، به نقل از Ambreena (۲۰۰۸، p. cit. pp).

۱۵ Mies, op. cit., p. ۱۴۵.

ادامه از صفحه ۴

اهمیت حضور پر...

موجب تشدید احساس طرد اجتماعی شده‌اند، مانند سیاست‌گزینش محور در سطح کلان و محدودیت در روند آگاهی‌رسانی در سطح میانه. پس آنگاه می‌توان امیدوار بود که در سطح خرد، امید اجتماعی افزون شود. بنابراین هرگونه حضور زنان در سیاست و نظام امیدوار کننده و نویدبخش است. ما وقتی زنان را در پروسه‌های کلان کشور نادیده می‌گیریم نصف یک جامعه را انکار کرده‌ایم. از نصف نصف دیگر مردانند که آنان همه حضور ندارند. در کشور ما میزان نا رضایتی با عدم حضور زنان بلند رفته‌است.

اجتماعی پدیدار می‌شود. بنابراین، «آمیدی» یک پیامد است و یک رفتار یا کنش نیست که بتوان با برنامه‌ریزی، کنترلش کرد. این حالت در میان شهروندان بنا به دلایلی است که در منظومه فکری هر فرد وجود دارد و جنبه ذهنی صرف ندارد، بلکه از واقعیات موجود تغذیه می‌شود.

بدبینی، قطع ناامیدی را تکثیر می‌کند. این بدبینی هم بی‌دلیل و بی‌علت پدید نمی‌آید. انزوای اجتماعی و احساس طرد اجتماعی، از علل ایجاد بدبینی هستند پس برای کاهش بدبینی، باید در سطوح میانه و کلان به سیاست‌ها و چارچوب‌هایی توجه داشت که

ادامه از صفحه ۴

نگاهی به وضعیت سیاسی...

مساوی مردان و زنان وامحای کلیه اشکال تبعیض و خشونت علیه زنان» هم چنان کمیته توصیه نمود که بهتر است به جای یک زن دوزن در ولسی جرگه و شورای‌های ولایتی هر ولایت عضویت داشته باشد. بحث مشارکت زنان در عرصه سیاست پس از طالبان به طوری جدی مطرح شدند، پیش از آن مشارکت سیاسی زنان به صورت توده‌ای یعنی شرکت در تظاهرات‌ها و راه‌پیمایی‌ها بود (به استثنای دوره طالبان) اما مشارکت در سطح نخبه‌گان، اعلام نامزدی، عضویت زنان در پارلمان، نهادهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های کلان مورد توجه نبود. در دوره جدید با وضع یک سلسله قوانین و مقررات، اقدامات جهت بهبود مشارکت زنان صورت گرفت.

حضور سیاسی حداقلی زنان در جامعه سنتی و مردسالار افغانستان همواره با مشکل رو به رو بوده است. ساختار سیاسی واجتماعی اجازه نداده است که مشارکت سیاسی زنان به طوری طبیعی، در بستر فرهنگ سیاسی این کشور آرموده شود. اگرچه فرایندی که از کنفرانس بن آغاز شد زمینه مناسب را برای حضور زنان در مراحل نظری و عملی فراهم کرد.

به کمسیون مستقل مخصوص تشکیل لویه جرگه اضطراری در ماه ۲ بند(ج) راجع به تعیین نماینده‌گان تاکید شده که تا یک تعداد قابل ملاحظه زنان در لویه جرگه شرکت نمایند.

براساس موافقت نامه بن حکومت انتقالی پس از ۱۸ ماه باید لویه جرگه را به منظور تصویب قانون اساسی دایر نمایند بعد از تصویب قانون اساسی انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی برگزار گردد دوره انتقالی پایان و حکومت انتخابی جای‌گزین شود. در تاریخ ۱۳ میزان ۱۳۸۱ حکومت انتقالی کمسیون را برای تهیه مسوده قانون اساسی ساخت که از بین ۹ نفر عضو دوزن نیز، آصفه کاکر و مکرمه اکرمی در آن عضویت داشتند. در سال ۱۳۸۲ حکومت انتقالی کمسیون ۳۵ نفره را برای تدقیق مسوده قانون اساسی ساخت که ۷ زن در آن عضویت داشتند.

هم چنین به منظور تدقیق بیش‌تر حقوق زنان یک کمیته اختصاصی زیر نظر محبوبه حقوق‌مئل متشکل از ۲۰ نفر زن موظف شد، تا مسوده قانون اساسی را مورد ارزیابی قرار دهد این کمیته یک ماده را در مسوده اضافه نمود و پیشنهاد نمود: «تضمین حقوق

ترس زنان از صلح با طالبان

ادامه از صفحه ۱

مناسبات دموکراتیک و انسان‌مدار تغییر نکرده است. پس در این وسط زنان باید فعال شوند، زنان باید کنش اجتماعی و سیاسی انجام بدهند و خود قادر به این شوند تا به نماینده‌گی از خویش صحبت کنند؛ معضل و مسایل زنده‌گی اجتماعی و سیاسی خویش را بیان کنند.

در این یادداشت قرار نیست راه حل مطرح کنم که چگونه می‌توان ترس زنان را در صلح با طالبان برطرف کرد. زیرا واقعیت اجتماعی و سیاسی زنان با واقعیت فکری و رفتاری طالبان خیلی فاصله دارد؛ نمی‌شود با خوش‌بینی در کوتاه‌مدت این فاصله را برطرف کرد یا نادیده گرفت. تاکید من این است که واقعن ترس زنان از صلح با طالبان خیلی جدی و واقعی است. جامعه‌ی جهانی و دولت افغانستان باید واقعیت اجتماعی و بشری زنان را درک کنند و در نظر بگیرند؛ زیرا زنان افغانستان در شرایط کنونی از نظر اجتماعی و سیاسی در موقعیتی نیستند که به عنوان یک جنبش اجتماعی و سیاسی، نقش تاثیرگذار برای تأمین حضور اجتماعی و سیاسی زنان در جریان صلح و بعد از اجرایی شدن صلح داشته باشند.

بنابیه عدم تاثیرگذاری زنان در فرهنگ مردسالارانه‌ی جامعه‌ی افغانستان، طبعن صلحی که قرار است صورت بگیرد، یک صلح مردانه خواهد بود. از این نگاه، بهتر است برای حقوق آموزشی، بشری، اجتماعی و سیاسی زنان قبل از اجرایی شدن صلح با طالبان، تضمین‌های مشخص و عملی در نظر گرفته شود؛ در غیر آن هرگونه صلح با طالبان در واقع قماری است که بر سر حقوق زنان بین مردان افغانستانی زده خواهد شد. مردان افغانستانی چه در جانب طالب و چه در جانب غیر از طالب از نظر برداشت فکری درباره‌ی زنان چندان باهم تفاوت ندارند. تفاوت و اختلاف نظر اگر دارند؛ تفاوت و اختلاف نظر شان بیش‌تر سیاسی برای چگونه‌گی تقسیم قدرت است.

مساله و معضل مردان باشد. در این وسط مساله و معضل زنان چه در طرف طالبان و چه در طرف‌های دیگر که حزب‌ها و دولت افغانستان باشند نادیده و دست کم گرفته می‌شود.

تعبیر مردانه در کل این است که مردان جامعه با هم جور بیابند؛ مشکل حل است. زنان چه و حرفش چه. یکی از سیاست‌مداران مرد افغانستان چند روز پیش در یک همایش گفت جنگ را ما کردیم صلح را نیز ما می‌کنیم. این سخنان شاید معنای ضمنی سیاسی داشته باشد اما یک معنای صریح این سخن این بود که جنگ و صلح افغانستان، مساله و معضل مردانه است.

سوال این است که چگونه می‌توان این نگرش مردانه را تغییر داد که زنده‌گی زنان نیز به عنوان مساله و معضل اجتماعی در نظر گرفته شود و بحث حضور زنان در جامعه، جدی گرفته شود.

مورد دوم این که مساله و معضل زنان دست کم گرفته می‌شود و به عنوان روی‌داد و مناسبات اجتماعی در مناسبات سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود به خود زنان افغانستان ارتباط می‌گیرد. زیرا زنان افغانستان در این سال‌ها (دو دهه) نتوانستند خود را به عنوان جنبش‌های مردمی و واقعیت قابل محاسبه‌ی سیاسی و اجتماعی در افغانستان مطرح کنند. اگر در این دو دهه سخن از زنان و حقوق زنان بوده است، بیش‌تر برای گرفتن پروژه و بهره‌برداری بوده؛ که این بهره‌برداری نیز بیش‌تر توسط مردان صورت گرفته است.

حقیقت این است که زنان نخواسته‌اند یا نتوانسته‌اند واقعیت خویش را جدا از مردان و مناسبت مردانه در مناسبات سیاسی و اجتماعی کشور مطرح کنند. بنابراین امروز در مناسبات سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شوند؛ حتا واقعیت زنان به عنوان معضل و مساله سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شود. تصور من این است، هیچ جامعه‌ای بی‌اراده و کنش اجتماعی و سیاسی زنان از مناسبات مردانه‌ی خویش به



بی ثباتی سیاسی و امنیتی عامل ناامیدی زنان تجارت پیشه

وضعیت سیاسی و امنیتی و تمام مسایل بی ثباتی کلان ترین چالش را که ایجاد می کند در قسمت حالت روحی و روانی زنان تجارت پیشه است



گفت و گو

حسین احمدی

گفت و گو با منیژه وافق رییس اتاق تجارت و صنایع زنان

حسین احمدی: خانم وافق، ممنون از این که برای گفت و گو با هفته نامه نیم رخ وقت گذاشتید. در نخست، اندکی در مورد خودتان بگویید. تشکر از شما. من دوره کارشناسی (لیسانس) رشته اقتصاد را خواندم و از «دانشگاه آمریکایی افغانستان» ماستری مدیریت تجارت دارم. منیجنت یکی از بنیان گذاران «اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان» فعالیت کردم و اکنون مسوولیت ریاست این نهاد را به عهده دارم. از حدود پانزده سال قبل بدین سو با زنان متشبه و تجارت پیشه هم کاری دارم. خودم هم شرکت خصوصی داشتم ولی اکنون به خاطر این که به کارهای اتاق تجارت رسیده گی کنم، مسدود کرده ام.

اتاق تجارت برای زنان مسلمان یک نیاز جدی برای رشد اقتصادی زنان است، حالا بگویید که روند ایجاد اتاق تجارت زنان چگونه بود؟

زنان تجارت پیشه در افغانستان نیاز به یک آدرس داشتند تا برای ابراز نگرانی ها و جلب حمایت شان دادخواهی شود. در سال ۲۰۱۳ میلادی، شماری از زنان تجارت پیشه با هم جمع شدیم و تصمیم گرفتیم یک اتاق تجارت برای زنان ایجاد کنیم. اما در آن زمان محدودیت قانونی وجود داشت که علاوه بر اتاق تجارت و صنایع که فعالیت می کرد، اتاق ویژه برای زنان مجوز داده نمی شد. در سطح رهبری دولت نیز حمایت سیاسی کافی وجود نداشت. بنابراین ما نهادی را برای حمایت از زنان تجارت پیشه و متشبه، به نام «اتحادیه متشبهین رهبر برای انکشاف افغانستان» ایجاد کردیم. ما در چارچوب فعالیت های این اداره توانستیم که فرصت ها و دست آوردهای زنان متشبه را به پالیسی سازان کشور معرفی کنیم؛ این که زنان در عرصه تجارت چه مقدار سرمایه گذاری کرده و نگرانی های شان چیست. دادخواهی های ما از آدرس این اتحادیه توانست در گام های بعدی، محدودیت ها را از بین ببرد و بالاخره در سال ۲۰۱۶ میلادی، اتاق تجارت و صنایع زنان منیجنت یک نهاد مستقل به وجود آمد.

اتاق تجارت و صنایع زنان دقیقن در کدام بخش ها فعالیت دارد؟

کارهای ما به صورت عموم در دو بخش عمده است: ۱. لابی کردن و دادخواهی کردن به خاطر نگرانی ها و منافعی است که بایست در برنامه ها و پالیسی ها انعکاس داده شود و یا حتی برنامه های جدید ایجاد شود؛ ۲. بخش دوم کار ما ارائه خدمات برای ارتقای ظرفیت و رشد تولید و تجارت زنان متشبه و تجارت پیشه است.

تاکنون روی آگاهی دهی برای زنان نیز کار شده است؛ زیرا آگاهی فرصت و انگیزه کار را به وجود می آورد. برنامه های آگاهی دهی حقوقی ما هنوز هم هر پنجشنبه در دفتر مرکزی دایر می شود. اتاق تجارت و صنایع زنان جهت توسعه اقتصادی و افزایش نقش زنان در تجارت و تشبث، دفاتر ولایتی را نیز ایجاد کرده است که تاکنون در چهار شهر عمده کشور؛ هرات، جلال آباد، مزار شریف

و قندهار دفاتر ولایتی اتاق برنامه های آگاهی دهی، ظرفیت سازی و ایجاد سهولت و ارتباط برای زنان تجارت پیشه در چهار زون کشور فعالیت دارد. مجموع زنان تجارت پیشه در حدود یک هزار و یک صد و پنجاه (۱۱۵۰) نفر هستند. پنجاه درصد از این مجموعه، در پایتخت کشور و سپس بیشترین رقم به ترتیب در ولایت هرات، بلخ، قندهار، ننگرهار و دیگر ولایت ها فعالیت دارند.

سهولت هایی که برای تجارت زنان در بیرون از مرزهای کشور فراهم شده چطور است؟

مهم تر از همه، آگاهی دهی برای زنان بوده که از فرصت های که در بیرون از افغانستان وجود دارد برای صادرات

با توجه به اوضاع سیاسی کشور و گفت و گوی های در مورد صلح زنان تجارت پیشه هم دخیل است و باید نگرانی های شان را بیان کنند که اگر صلح در تجارت زنان آسیب نرساند؟ چالش ها را به شکل عملی می بینیم و روزمره درگیر هستیم و این به دلیل کند کاری و عدم علاقه مندی کارمندان پایین رتبه دولتی است. در سطح بالا رییس جمهور و رییس اجراییه و اعضای کابینه حمایت و هم کاری می کنند و تعهد نیز دارند اما در سطح پایین و کار عملی سرکار ما با رؤسا، آمرین و مامورین که می شود دچار مشکل بسیار جدی می شویم و او

تقدیرات و فرستادن می تواند در بیرون از مرزهای کشور به نفع ما باشد. ما در این زمینه به نفع ما در کشورها کار کرده ایم. موضوع بعدی موضوع مهارت های شان بوده که در نمایشگاه های ملی و بین المللی چگونه برای رونق تجارت شان روابط برقرار کنند. قبل از زنان تجارت پیشه افغانستان در نمایشگاه ها با یک دید کوتاه مدت و محدود که بتواند فقط محصولات شان در همان نمایشگاه به فروش برساند اشتراک می کردند اما در این دو سال اخیر اتاق تجارت و صنایع زنان برای زنان تجارت پیشه کاری را کرده اند که بتوانند روابط تجاری گسترده برقرار کنند به طور نمونه ما داریم بی نظیر یکتا و سونا محمودی را که به خصوص در قسمت صادرات میوه خشک و زعفران به بیرون از افغانستان موفقیت های چشم گیر داشته اند. و ما برای زنان دیگر نیز چنین برنامه های را داریم که چگونه برای محصولات شان در بازارهای بین المللی بازار پیدا کنند.

برای تطبیق برنامه های شما هم کاری حکومت و دیگر نهاد ها چگونه بوده؟

هم کاری حکومت خوب بوده تا حدی متشکل هستیم از لحاظ این که از زمان به وجود آمدن اتاق تجارت و صنایع زنان حکومت کوشش کرده در برنامه ها اتاق تجارت زنان دخیل باشند شریک باشند و اجازه دادن که ما یک تعداد از زنان را در برنامه های داخل و بیرون از افغانستان معرفی کنیم.

اما بعضی اوقات کم کاری های نیز صورت گرفته مثلن برنامه های بوده که ما دعوت نشدیم و ما تلاش کردیم که از طریق راه های مختلف دادخواهی کنیم که ما چرا نیستیم.

چالش های فراروی تان چیست؟

۱۵ نفر شان انتخاب شدند آمریکا پروند بانوی اول در سخنرانی خوب با اطمینان کامل گفت که کارهای تان را ادامه بدهید، زنده گی تان را ادامه بدهید به هیچ عنوان اجازه داده نخواهد شد که مسالهی مانع ادامه کار زنان شوند یا مانع پیش رفت در افغانستان شود. از این رو ما امیدوار هستیم که این پروسه ها جریان داشته باشد بحث صلح باشد و گفت و گو نیز شود اما همین روند وضعیت کار زنان باید ادامه پیدا کند.

برای ثبات روند توسعه نقش زنان آشکار است برنامه های قرضه دهی برای زنان متشبه چگونه است. چقدر سهولت ایجاد کرده برای زنان که بخواهد وارد تجارت شود؟ آیا اعضای اتاق از قرضه های بانک ها مستفید شده است؟



برنامه های قرضه دهی خوب بوده و اکثریت سهولت های که به وجود آمده از طریق بانک های مختلف به خاطر تلاش و پیشنهادی که از پنج سال پیش داشتیم انجام شده به خاطر دست رسی بیش تر زنان اما با وجود که سهولت ها به وجود آمد از لحاظ نرخ تکتانه و تضمین بود، تضمین را هم می گفتند باید سند جای داد باشد که در افغانستان جای دای به نام زنان نیست متاسفانه و این موضوع را نیز گفتیم که به عنوان تضمین چیزی دیگر را تعیین کنند زنان خودشان تهیه کنند و دیگر این که مدت اش بیش تر شود یک ساله نباشد. حد اقل سه ساله باشد اما در تعداد بیش تر زنان از این سهولت ها استفاده نکرده اند. بعدن به دلیل این که بدانیم چرا اکثریت از زنان از این سهولت ها استفاده نکرده اند یک سروی انجام دادیم. بعد از مطالعه این وضعیت به این نتیجه رسیدیم که عوامل داخلی عدم داشتن مهارت، دانش و انگیزه در خود زنان و کارمندان سیستم داخلی شان است.

سیستم داخلی باید منظم و پلان شده باشد در کارهای تولیدی و عرضه خدمات باید کیفیت کار بهتر باشد. این مسایل در تجارت اگر جدی گرفته نشود پلان و دورنما وجود نداشته باشد مصارف ثابت و در آمد شان باید منظم باشد.

ما فعلمن روی کرد کاری مان را کمی تغییر دادیم قبلن در مورد مشکلات و چالش های زنان داد خواهی می کردیم اما در این اواخر بیش تر روی مهارت توانایی و انگیزه خود زنان کار می کنیم.

● ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد رویکرد نیم رخ

زنان خط سرخ گفت و گوهای صلح؛ خط سرخ زنان چیست؟

حقوق زنان را خطر نابودی تهدید نمی کند.

با در نظر داشت این وضعیت، آنچه کشته تر از تمام این ها است، خاموشی زنان است. معامله گرانی که به نماینده گی از مردم افغانستان در نشست های صلح افغانستان شرکت کردند، هر از گاهی پیچ کنان زیر لب می گفتند «زنان افغانستان». اما این حرف تا زمانی تکرار خواهد شد که آن ها بدانند گفتن این مساله منافع شان را به خطر نمی اندازد. در این صورت، درصد خطر نابودی حضور زنان در جامعه افغانستانی بالا است. در چنین وضعیت بحرانی و خطیر، زنان افغانستان آن گونه که باید دست به کار نشوند و چنان که دیده می شود، دست به کاری نخواهند زد. به طور نمونه اجماع ملی زنان در سال ۱۳۹۷ در میان مردمی به خاموشی افغانستان نمایش خوبی بود. اما حقیقت این است که در برابر پول هنگفتی که روی برگزاری این برنامه به مصرف رسید هیچ حرفی جدی و مهمی نگفته نشد. از طرف دیگر، زنان و فعالین حقوق زن تنها ابراز نگرانی می کنند بدون این که هیچ اقدامی مهمی برای تغییر دادن چگونه گی شکل گیری ساختار آمدن صلح در افغانستان بکنند. معامله گران، هر چند نمایشی اما گفتند که مساله زنان برای آن ها خط سرخ است. حالا پرسش اصلی این است که خط سرخ تمام زنان افغانستان چیست؟

در این باره، مسوولیت پاسخ به این پرسش مهم به دوش زنانی است که در رده های بالای حکومتی قرار گرفته اند. از کلای زن گرفته تا پایین ترین سطح، همه خاموشی اختیار کرده اند و تمام حرف شان در قالب چند کلمه خلاصه می شود. برای این زنان خطری جدی ای وجود ندارد. آن ها با استفاده از نام زنان افغانستان حداقل توانسته اند که پولی را در حساب های شان بریزند و در صورت خطر حکومت طالبانی خود و اقارب شان را از این خاک بیرون کنند و بقیه روزگار شان را در کشورهای پیشرفته دنیا سپری کنند. مهم ترین حرف این است که خطر اکثریت زنان را تهدید می کند. و این اکثریت متشکل از افرادی است که به صورت عادی زنده گی می کنند.

از مسوولین به صورت جدی باید پرسید که خط سرخ شان برای زنان افغانستان چیست؟

وقت است که به این نتیجه می رسیم که کار کردن همراه دولت چقدر مشکل است.

مثلن یک کار را که پلان می کنیم در یک هفته تمام شود در سه ماه انجام نمی شود و این به دلیل سیستم بروکراسی نیست. زیرا سیستم بروکراسی یعنی کاغذ پرانی است این که اسناد تهیه کنی اما بگیری با وجود که همه چیز آماده است اما نفر مامور امروز دلش نمی شود می گوید برو هفته بعد بیا و این کار سه ماه طول می کشد.

با توجه به منابع محدود که داشتیم دست آورد ما و خدمات رسانی ما قابل قدر است اما قناعت مه حاصل نیست زیرا موانع که یاد آور شدیم باعث شده که ما نتوانیم بیش تر کار کنیم.

اوضاع سیاسی و امنیتی چقدر چالش زا است برای روند کار شما؟

وضعیت سیاسی و امنیتی و تمام مسایل بی ثباتی کلان ترین چالش را که ایجاد می کند در قسمت حالت روحی و روانی زنان تجارت پیشه است.

ما زنان را تشویق می کنیم و آن ها امیدوار می شوند که می توانند تجارت شان را وسعت بدهند. از قرضه استفاده کنند و از مصرف شخصی خود در نمایشگاه ها اشتراک کنند اما یکبار که وضعیت امنیتی بی ثبات می شود یک اتفاق بدی در گوشه و کنار کشور می افتد باعث می شود که زنان ناامید شوند. حتا مسایل فساد اداری نیز ناامید کننده می باشد.

در برنامه پروسه صلح انتظارات و نگرانی های شما چیست؟

من در گذشته نسبت به این پروسه خوش بین بودم اما این روزها مطمئن نیستم. با آن هم جلساتی همراه بانوی اول و رییس صاحب جمهور داشتیم. در برنامه یک دور فراغت زنان تجارت پیشه که



Nimrokh Weekly

سال سوم ■ شماره ۸۱ ■ دوشنبه ۲۰ آوریل ۱۳۹۸ / Vol. 3 ■ No. 81 ■ Monday ■ April 22, 2019

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان
سردبیر: ریحانه رها
گزارشگر: فرزانه احساس، حسین احمدی و آمنه امید
عکاس: نجیبه نوری
صفحه آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴
آدرس الکترونیکی:
Nimrokhweekly7@gmail.com

خواننده‌گان عزیز نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص
سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر
می‌کنند.

به جز روی‌کرد نیم‌رخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به
دوش نویسندگان می‌باشد.
هفته‌نامه نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

جدیدگیسو

کرمه شیرنگ

چگونه میشود حدس زد

قبر زندگی را

وقتی زنده زنده

تابوت شوی

و خدایان مذکر ناقص العقل ات بخوانند

صدای پاهار با بشویی

حتا

تشخیص بدهی کی ها تو را به شانه می کشند

واز پچ پچ اطرافیان

«رسمان های دار که برایت بافته بودند» سر

بزند

آفتدر به درازی این رسمان ها فکر کنی که

از مردن منصرف شوی

و بخواهی سال ها زنده باشی

تا ...

نه

نمی شود حدس زد

آیا این عقل به تاراج رفته

بیدار خواهد شد؟

و به شباهت زندگی و مرگ پی خواهد برد؟

ترس

سیاهی براقی انداخته است به چشم های نیم باز

لبخند خدا نیز ترسناک تر از تاریکی است

زنده یی و مردن را

مرده یی و زندگی را

پله پله بالا می شوی

دست روح خودت در دست

گاه سر بلند و گاه پست

روح من

سرزمین به تاراج رفته یی است که

یک آه فاصله تا آسمان دارد

اهمیت حضور پر رنگ زنان در سیاست و نظام سیاسی



تحلیل
■ صبور بیات
دانش آموخته‌ی روابط
بین‌الملل

اگر در جامعه‌ای این مشخصات باشد افراد به سمت انزوای اجتماعی سوق پیدا می‌کنند. نگاه و روی‌کرد «گزینش‌محور» وجود داشته‌باشد و این روی‌کرد به‌ویژه از منشأ ایدئولوژیک تغذیه شود. در این صورت «رانت» شکل می‌گیرد و متعاقبش «فساد» افزایش پیدا می‌کنند و آنان که دست‌شان از سفره رانت، دور است احساس طرد اجتماعی می‌کنند و آرام آرام، منزوی و ناامید می‌شوند. در چنین جامعه‌ای، یک منظومه فکری و معرفتی شکل می‌گیرد که حتا روشن‌فکران سیاسی و فرهنگی‌اش هم ناخواسته بدان متمایل می‌شوند و دیگر روشن‌فکران اجتماعی را از وجود تریبون، محروم می‌کنند. پس در این جامعه، روشن‌فکران مستقل هم منزوی می‌شوند و بالطبع، شهروندان از وجود جریان سالم آگاهی‌رسانی بی‌بهره می‌شوند و هم‌چنان در بستر سابق ناامیدی، به مسیر خود ادامه می‌دهند.

جامعه‌ای که مبتنی بر «خودی-غیر خودی» اداره می‌شود نمی‌تواند جامعه پویایی باشد، چون بسیاری را فراری می‌دهد و آنان که می‌مانند هر لحظه منتظر واقعه‌ای جدید هستند تا شاید دستی از آستین برون آید و... این جامعه ناپویا، توان اشتغال‌زایی و امیدافزایی ندارد، زیرا تار و پود ساختارهای کلان مدیریتی‌اش آمیخته با عدم تخصص و تظاهر به وفاداری است. اگر اشتغال در یک جامعه به حد کافی

نباشد آن جامعه مستعد منحرف شدن است و یکی از انواع انحرافات اجتماعی «انزوای اجتماعی» است. اگر در یک جامعه بین واقعیت موجود مبنی بر خواست مردم و شهروندان در منظومه فکری جهانی از یک سو و رویه حکمرانی، فاصله باشد، نه تنها توقعات و انتظارات شهروندان بی‌پاسخ باقی می‌ماند بلکه توقعات به شکل غیر منطقی، فزاینده هم می‌شوند. در جامعه‌ای که آحادش نتوانند برای زنده‌گی شخصی خود تصمیم بگیرند و ده‌ها سال در این درخواست درجا بزنند که مثلن آیا حجاب، چگونه باید باشد یا زنان می‌توانند به ورزش‌گاه بروند یا خیر، توقعات بعدی متراکم می‌شود و با پاسخ نگرفتن، ناامیدی ... ادامه در صفحه ۲ ...

حوزه‌ی اجتماعی-سیاسی امید خلق می‌کند. برای شهروندان جامعه قرن بیست و یکمی آن چنان عرض اندام می‌کند که اگر پاسخ داده شود اکسیژن به جامعه تزریق شده‌است و امید اجتماعی تقویت می‌شود و الا نومییدی، افزون خواهد شد. افراد ناامید، دیگر از پیروزی‌های‌شان هم لذت لازم را نمی‌برند و شادی‌های‌شان را کم‌تر ارج می‌نهند. آنان احساس نمی‌کنند جامعه به نظام سیاسی تعلق دارد. او خود را قربانی می‌بیند. از نگاه او جامعه این‌گونه است: «هر کسی کار خودش، بار خودش، آتش به انبار خودش». جامعه ما بر اساس رضایت ملی، از میزان رضایت ملی در

افغانستان کشوری با فرهنگ سیاسی سنتی توام با افکار و اندیشه‌های قومی-قبیلوی است. فرهنگ سیاسی سنتی مانع و عوامل اساسی عقب مانده‌گی افغانستان کنونی به این دلیل است که جامعه‌ی امروزی با یک چنین سیستمی نه تنها سازگاری ندارد بلکه در تضاد است. حضور زنان در نظام و سیاست به دلیل فرهنگ سیاسی غالب یعنی سنتی حتمی است. امروز وقتی رژیم‌های سیاسی در جهان به ارزیابی گرفته می‌شوند یکی از معیارهای کلیدی سنجش و نمره دادن به نظام‌های سیاسی یعنی رژیم‌ها موقعیت زنان در اجتماع و سیاست است. «موقعیت زنان



حد «کم» برخوردار است. ناامیدی اجتماعی مانند تام پدیده‌های اجتماعی دارای علل و دلایل مختلف است. در سطح «خرده»، ناامیدی ناشی از بدبینی و این هم ناشی از وجود تبعیض در جامعه است. بنابراین، ناامیدی اجتماعی یک پیامد است نه یک «فتار» یا کنش که با سیاست‌گذاری قابل رفع باشد. به همین علت، باید به سمت علل ایجاد ناامیدی توجه شود. حالا البته این سؤال مطرح می‌شود که آیا آن بدبینی و آن تبعیض، اموری هستند که در سطح خرد، قابل کنترل و تصحیح باشند؟ چنین به‌نظر نمی‌رسد. در میان مفاهیم مرتبط با ناامیدی اجتماعی، «انزوای اجتماعی» وزن قابل توجهی دارد. انزوای اجتماعی یک شبه پدید نمی‌آید.

بهترین نمودار و گویاترین معیار برای ارزیابی یک رژیم اجتماعی و سیاست‌های دولت است. * ۱ یک و نیم دهه پیش حضور زنان در قدرت و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور یک رویا بود، می‌گویند «رویاها: برای روان، مانند اکسیژن برای ریه‌ها هستند که اگر به سمت آن‌ها برویم هورمون‌های شادی آزاد خواهند شد و با نادیده گرفتن آن‌ها احساسات بد را تقویت کرده‌ایم. این رویا حدودی تحقق پیدا کرد، یعنی زنان در سیاست و نظام آمدند ولی حضورشان معنی‌دار نشد. چون آنان از تصمیم‌ها خبر شدند/ می‌شوند. اما تاثیرگذار و تصمیم‌گیرنده‌گان نیستند. حضور معنی‌دار زنان در سیاست و نظام سیاسی، در

نگاهی به وضعیت سیاسی زنان در دوره پس از طالبان (شکل‌گیری دولت جدید)



تحلیل
■ زمان سیرت



دوره طالبان (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) گفتن و نوشتن در باره وضعیت سیاسی زنان در دوره طالبان طنز بسیار تلخی است که تاریخ سیاسی افغانستان آن را به حافظه سپرده است. در این دوره مشارکت انسانی زنان زیر سؤال رفت چه رسد به مشارکت سیاسی و اجتماعی. در دوره طالبان تفسیری بسیار افراطی از اسلام داشتند که با قدرت رسیدن طالبان زنان از کلیه

داشته‌اند با پایان دوره جهاد شاهد وقوع جنگ‌های داخلی، مهاجرت‌ها و غیره موارد نقض حقوق بشری بودیم که رقابت گروه‌های مختلف مجاهدین آتش جنگ را بیش‌تر کرد و پیامدهای آن دامن‌گیر زنان شدند. بی‌سپرستی زنان، تجارت زنان و دختران، ناپدید شدن زنان که اشتغال داشتند و غیره جنایات علیه زنان صورت گرفت، که زنان بیش‌ترین آسیب را در این دوره متحمل شدند.

امروزه در دنیای مترقی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های کاربرد علوم، عرصه سیاست است و زنان با آگاهی کامل، زمینه بروز خلاقیت‌های خود را در این میدان بیازمایند. حضور و فعالیت زنان در بدنه سیاست و اجتماع، هرگز به معنای محدود کردن نقش مردان نیست؛ و به دست گرفتن قدرت سیاسی نیز به معنای خارج کردن قدرت از کف مردان نمی‌باشد؛ حتا این برداشت که زنان، با حضور خود قصد اثبات توان‌مندی‌های خود را دارند پس امر مسلم آن است که با گسترش نفوذ زنان در عرصه‌های سیاست در جهان و میزان تأثیرگذاری آنان، نمی‌توان فعالیت‌های خود را به علم و پژوهش و حتا تعلیم و تعلم محدود کرد. برخی تشکل‌های فعال در امور زنان که اغلب از شیوه‌ی سنتی حضور زنان در اجتماع فاصله گرفته، نه زیاده خواهی‌های غیرمشروع فمینیستی را لازم الاجرا می‌دانند و نه تمایلی به پرده‌نشینی و سپردن امور به طور مطلق به مردان دارد. این حقیقت مسلم، یک سیر تاریخی و عقبه‌ای طولانی دارد.

دوره مجاهدین (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵) در دوره مجاهدین مساله زنان یکی از مسایل جنجال برانگیز بود که گروه‌ها در مورد آن اختلاف نظر

حقوق سیاسی و اجتماعی محروم شدند و دروازه‌های مکاتب و مکان‌های آموزشی به روی دختران بسته و معلمان نسوان از کارشان برکنار شدند. در این دوره زنان از طبیعی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خویش محروم شدند، حکومت طالبان را باید بدون میالغه قبرستان زنان افغانستان نامید.

یازدهم سپتامبر نقطه عطفی برای شکل‌گیری دولت جدید و امید تازه برای زنان افغانستان به شمار می‌آید. بعد از سقوط طالبان، نیروهای ناتو به رهبری ایالات متحده امریکا، طرح نو برای شکل‌گیری دولت در کنفرانس بن ریخته شد. در این کنفرانس چند موضوع مورد توجه قرار گرفت: حقوق بشر، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و حقوق زنان مطرح شدند. در این کنفرانس از جمله ۲۴ نماینده‌گان رسمی دو زن، آمنه افضلی و خانم سیمائمر شرکت داشتند و از میان ۲۷ نفر اعضای غیر رسمی سه خانم، رنا یوسف منصور، فاطمه گلانی و صدیقه بلخی که جمعا پنج زن می‌شود، شرکت داشتند. در موافقت‌نامه بن راجع به نقش زنان در آینده کشور تذکراتی به وضوح مطرح شده است: ۱- در مقدمه که حاوی اهداف موافقت‌نامه است حکومت افغانستان یک دولت اناث پذیر کثیرالاقوام و مثل همه مردم باشد. ۲- در ترکیب اداره موقت در ماده ۳ آن آمده است انتخاب اشخاص بر اساس لیاقت و شایسته‌سالاری فردی صورت بگیرد. اهمیت سهیم‌گیری زنان در حکومت ضروری پنداشته است برای اساس دو زن شامل کابینه گردیدند: دکتر سیما ثمر به عنوان وزیر امور زنان و دکتر سهیلا صدیق، به عنوان وزیر صحت عامه حکومت موقت تعیین شد. ۳- در بخش چهارم مربوط ... ادامه در صفحه ۲ ...